

زینب تبریزی؛ کارگردان مستند «تمام چیزهایی که جایشان خالی ست» در گفت و گو با «صبا»:

فیلم مستند-داستانی «تمام چیزهایی که جایشان خالی ست» روایتگر زندگی دو زن به نام‌های مهناز و جمیله است که هر دو به سرطان پستان مبتلا بوده‌اند. یکی با وجود مبارزه‌های طولانی از دنیا می‌رود و دیگری بعد از بهبودی کامل، به فعالیت‌های خیریه و آگاهی‌بخش به بیماران مبتلا مشغول می‌شود. روایت این فیلم از زبان مهناز، زن در گذشته، بیان می‌شود که در طول فیلم با جمیله، شخصیت بهبود یافته آشنا می‌شود. به بهانه حضور این فیلم در جشنواره فیلم فجر گفت‌وگویی با کارگردان این اثر داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.



زهرا سادات مصطفوی گفت و گو

همیشه به سینمای مستند

ظلم شده است



دارید یا ترجیح می‌دهید مسیر خود را در سینمای مستند ادامه دهید؟

فضای سینمای داستانی برای من بسیار محترم است و عمق بیشتری برای صحبت کردن دارد، اما این روزها مشغول پروژه مستندی هستم که کاملا مستدل است و امکان دارد با به صورت فیلم داستانی و یا مستند-داستانی نگارش شود. شاید اگر برخی از موضوعات به صورت مستند و داستان در کنار یکدیگر روایت شود تاثیر بیشتری داشته باشد و برخی هم نه. به طور کلی سینمای مستند بسیار برایم با ارزش و مهم‌تر است و قطعا در این فضا می‌مانم.

استقبال مخاطبان خارج از فضای جشنواره و در اکران عموم را چطور تصور می‌کنید؟ از نظر شما «تمام چیزهایی که جایشان خالی ست» می‌تواند به خوبی با مخاطب عام ارتباط برقرار کند یا خیر؟

فیلم من در سینماحقیقت جزو پنج فیلم برتر جشنواره بود و بیشتر مخاطبان جزو افرادی بودند که برای اولین بار این فضا را تجربه می‌کردند. به واسطه تبلیغات و موضوع فیلم بسیار از اثر استقبال شد و من برخلاف تصویری که داشتم به این نتیجه رسیدم که فیلم روی مخاطب عام تاثیر می‌گذارد و با او ارتباط برقرار می‌کند. به طور کل بازخوردهای بسیار مثبتی از مردم عام گرفتم و آثارم هم فقط محدود به مخاطبان خاصی نیست. من به عنوان یک مستندساز دوست دارم روی مخاطب خود تاثیر بگذارم. فیلم ما به واسطه موضوع سرطان پستان قرار است در ماه اکتبر که ماه آگاهی‌رسانی درباره این نوع از سرطان است در گروه سینماهای هنر و تجربه اکران شود.

اگر نکته یا مسئله‌ای در رابطه با جشنواره فیلم فجر وجود دارد به عنوان سخن پایانی بفرمایید.

من امیدوار هستم در جشنواره یک سری قاعده و سیاست گذاری مشخصی صورت بگیرد تا این آشفتنگی‌ها از بین برود و هدف اصلی مشخص شود. به امید آن که تصمیم‌های سلیقه‌ای از بین برود و یک سیاست گذاری کامل و مدون در این باره شکل بگیرد.

بسیار از سینمای داستانی قابل تر است و نمونه‌های بارزی در این باره وجود دارد. در ایران همیشه به سینمای مستند ظلم شده و سعی شده ویرترین جشنواره ملی با این فیلم‌ها پر شود. سینمای مستند نیز مخاطب بی‌شماری دارد و همیشه به نوعی قضاوت‌های اشتباه درباره ما و فیلم‌هایمان صورت گرفته است.

داستان مستند «تمام چیزهایی که جایشان خالی ست» تا چه اندازه ماه‌های بیرونی داشته و تا چه اندازه از خط داستانی شکل گرفته در ذهن شما به وجود آمده است؟

سلیقه من در مستند این است که ترکیبی از سینمای مستند و داستانی را در کنار یکدیگر داشته باشم. به هر حال شنیدن قصه جذاب است و علاقه دارم مخاطب سینما مستندی را دنبال کند که داستانی را روایت می‌کند تا برایش جالب باشد. برای همین مسئله، روح یک مرده را برای روایت داستان انتخاب کردم. سرطان برای همه ما یک معضل غیر قابل شکست است و همچون یک غول است. باید یک هوشمندی درباره شکل و محتوای کار وجود می‌داشت برای روایت داستان که من این سبک را انتخاب کردم.

اگر جایزه بخش فیلم‌های مستند جشنواره به شما تعلق بگیرد تا چه برای شما اهمیت دارد با توجه به این که بسیاری از کارگردانان در طی سال‌های اخیر از این جشنواره فاصله گرفته‌اند؟

ما از کودکی زمانی که با سینما آشنا شدیم اسم جشنواره و سیمرغ مدام در گوشمان بود و در عین حال بسیار جذاب و پرهیجان. یکی از جذابیت‌های سینما برای من جایزه و دریافت سیمرغ است. برای فیلم این آرزو را می‌کنم که برنده این جایزه باشد و بعد از آن راه را برای ما بسیار هموارتر می‌کند. فیلم شناخته‌شده‌تر می‌شود و توجه‌ها را نسبت به خود برمی‌انگیزد. به طور کلی راه را برای اکران عمومی باز می‌کند و مخاطبان بیشتر و بهتر برای تماشای فیلم به سینما می‌روند و به نظرم کاملا تاثیر دارد.

خانم تبریزی شما علاقه‌ای به تجربه سینمای داستانی هم

فیلم‌ها نخواهند آمد. زمانی هم که ما نسبت به دبیر جشنواره اعتراض کردیم گفتند شما جشنواره‌های تخصصی برای فیلم خود دارید! به نظرم این برخورد با سینمای مستند که سینمایی شناخته‌شده در همه دنیاست بسیار توهین آمیز است. پایه و اساس سینمای داستانی در بسیاری از نقاط دنیا سینمای مستند است و طبق آمار خانه سینما ۸۵ درصد جوایز سینمایی ایران برای سینمای مستند است و این سیاست گذاری‌های اشتباه باعث تاسف است. ما هم نباید هیچ اعتراضی در این زمینه داشته باشیم! این جشنواره از مجموعه فیلمسازان متفاوت تشکیل می‌شود اگر ما نباشیم نه دبیری وجود دارد و نه جشنواره‌ای! این شیوه قرعه کشی بسیار باعث ناراحتی ما شد و خوشحالی ما از حضور در جشنواره فیلم فجر از بین رفت.

جشنواره سینماحقیقت رو بگرد کاملا مشخصی دارد و آن دیده شدن فیلم‌های مستند است و حضور شما در آن باعث نگاه جدی‌تری به اثر می‌شد، نگاه و رو بگرد کلی جشنواره فیلم فجر را در این زمینه و در ارتباط با سینمای مستند چطور ارزیابی می‌کنید؟

در جشنواره‌ای که مطلقا به سینمای مستند می‌پردازد رویکردی مشخص وجود دارد و نگاه داوران کاملا تخصصی است. جشنواره سینماحقیقت برای همه ما مستندسازها محترم است، انتخاب فیلم‌های ما در این جشنواره معتبر باعث افتخار است و ویرینی از سینمای مستند است ولی این به این معنا نیست که ما در جشنواره بزرگ‌تری مثل جشنواره ملی فیلم فجر حضور نداشته باشیم. البته که هر سال برخوردهای متفاوت و سلیقه‌ای با فیلم‌های مستند می‌شود گویا هر سال با یک زبان بی‌زبانی می‌خواهند ما را حذف کنند و سیاست‌گذارها در این زمینه به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند و این برخوردها بسیار اشتباه است. سینمای مستند چطور باید ثابت کند که پیشرفت کرده و مگر امکان نادیده گرفتن آن وجود دارد؟ در سینمای مستند قصه‌گویی وجود دارد و توانایی رقابت با فیلم‌های داستانی نیز وجود دارد. حتی به جرأت می‌توانم بگویم سینمای مستند ما

لطفا یک مقدار از محتوای کلی اثر بفرمایید و این که مسئله سرطان به ویژه سرطان پستان تا چه اندازه دغدغه شخصی تان بوده و آیا شما با افرادی که با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند ارتباط داشته‌اید یا خیر؟

موضوعات بسیاری برای ساخت یک مستند به من پیشنهاد شد و در ابتدا این موضوع دغدغه اصلی برای کار من نبود، اما بعد از این که به این مسئله ورود کردم و با خانم‌هایی که به سرطان سینه مبتلا بودند آشنا شدم این موضوع برایم با اهمیت و جذاب شد. زمانی که من روی این موضوع مطالعه و تحقیق می‌کردم بر تاثیرهای کلی سرطان روی زندگی و خانواده آن‌ها پی بردم و از همان جا این مسئله برای من اهمیت زیادی پیدا کرد. خداراشکر در میان اطرافیانم فردی به این بیماری مبتلا نیست که بخواهم از او الهام بگیرم و تحقیق درباره این افراد و بیماری من را جذب کرد. احتمال بهبود در افراد مبتلا به این بیماری بسیار بالاست و لازمه آن تشخیص به موقع پزشکان است. در برخی از موارد و تابوهای اجتماعی خانم‌های مبتلا این مسئله را چه به دلیل خجالت و ترس از طرد شدن پنهان می‌کنند. این موضوع درباره سرطان در نهایت به یک فاجعه ختم می‌شود و من تلاش کردم به این مسئله و علت مرگ اشخاص در فیلم خود بپردازم.

در سال‌های گذشته شاهد حضور فیلم‌های مستند در بخش سودای سیمرغ جشنواره نبودیم، اما چند سالی است که این اتفاق افتاده و رو بگرد جدیدی در این باره شکل گرفته است. نظر شخصی شما در این باره چیست؟

روز قرعه‌کشی برای فیلم‌های مستند یکی از بدترین روزها در جشنواره فیلم فجر بود. به این دلیل که ما تصور می‌کردیم فیلم‌های این بخش قرار است در کنار دیگر فیلم‌ها اکران شوند ولی این اتفاق نیفتاد. این یک جشنواره ملی برای همه فیلمسازان است اما متأسفانه دوباره فیلم‌های مستند، کوتاه و انیمیشن را از فیلم‌های داستانی جدا کردند و آثار ما در بدترین زمان جشنواره اکران می‌شوند و قطعا هیچ کدام از اهالی رسانه و خبرنگاران در سانس اول برای دیدن